



شهید علیرضا زارعی

نام پدر: اسدالله

شماره شناسنامه: ۲۷۸۱

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۸/۲۷

محل تولد: شهر تهران

سال ورود به دانشگاه تبریز: ۱۳۶۳

رشته تحصیلی: طراحی جامدات

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۳/۱۹

محل شهادت: پاسگاه زید

شهید علیرضا زارعی به سال ۱۳۴۳ هـ. ش در شهر تهران چشم به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود با موفقیت به پایان رساند. در آزمون سراسری ۱۳۶۳ دانشگاهها شرکت نموده و از رشته‌ی «طراحی جامدات» دانشگاه تبریز پذیرفته شد.

شهید زارعی از ابتدا با انقلاب اسلامی همراهی نمود. قبل از پیروزی با شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات مردمی و بعد از پیروزی با عضویت در بسیج و همکاری با نهادهای انقلابی، که پایگاه مقاومت مسجد امام (رضا(ع) مرکز فعالیتهای ایشان بوده است. بعد از ورود به دانشگاه، همراه تحصیل به فعالیتهای اجتماعی نیز می‌پرداخت.

در زمان جنگ، بارها درس و دانشگاه را رها کرده و از طریق پشتیبانی جنگ و جهاد سازندگی به جبهه‌های نبرد اعزام گردید که در آخرین بار به تاریخ ۱۳۶۶/۳/۱۹ بر اثر اصابت ترکش خمپاره در منطقه‌ی «پاسگاه زید» به آرزوی دیرینه‌اش که شهادت در راه خدا بود، رسید. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

شهید زارعی از استعداد خوبی برخوردار بود و تمام مقاطع تحصیلی را با معدل بالا به پایان برد. به خانواده‌اش - خصوصاً به مادربزرگوارش - احترام خاصی قایل بود. قلم روان و قریحه‌ی شاعری داشت که قسمتی از نامه‌ی مورخه ۶۵/۱۱/۲۰ همراه با چند بیتي از سروده‌اش را نقل می‌کنیم.

«... صعود به قلّه‌ی نور، پسندیده‌ی همگان نیست؛ زیرا تنهایی، جدایی، کندن دل از محبت‌های دنیایی، مشکل است. اما این راه نباید رهرو را به صرف اینکه مشکل است از رفتن منصرف سازد. این مسیری است که خواص باید طی کنند و در این مسیر سر می‌دهند ... پدیده مرگ، حرکتی در آفرینش است و همگان باید بروند؛ اما این رفتن را خود انتخاب کنیم و هدف والا را در این رفتن بیابیم؛ کاری بس زیرکانه انجام داده‌ایم و به سوی آن حرکت کرده‌ایم. با این همه انتخاب زیبا، چرا بمیریم؟

واژه شهید برای چه کسانی است؟ مگر ما نمی‌توانیم به جای اینکه مردار شویم در خون خود بغلطیم؟ چرا لذت دیدار خدا را نمی‌چشیم؟ چرا معطلیم؟!...»

کینه‌ی خصم دین من
فکر سپر نمی‌کند
آب وضوی عاشقان
عقل گذر نمی‌کند ...

... گرده‌ی باد زین من
سینه‌ی آهنین من
خون گلوی عاشقان
زانکه به کوی عاشقان